

توسعه برنامه موشکی به اولویت راهبردی تهران تبدیل شده‌است

تغییر در استراتژی ایران در برابر اسرائیل



می‌رسد حملات جنگ ۱۲ روزه بیشتر در دسته اول قرار می‌گیرند.

تغییر اولویت: از هسته‌ای به موشکی—یک واکنش راهبردی

یکی از نکات جالب توجه در تحلیل‌های پس از درگیری، اشاره به تغییر احتمالی در اولویت‌های بازسازی ایران است. برخی گزارش‌ها حاکی از آن است که تهران ممکن است در کوتاه‌مدت، تمرکز و منابع بیشتری را بر احیای سریع‌تر توان موشکی باالستیک خود قرار دهد تا آن که متمرکز بر بازسازی کامل ظرفیت‌های هسته‌ای آسیب دیده شود. این تغییر اولویت در صورت صحت، می‌تواند دلایل راهبردی داشته باشد. از دیدگاه تهران، موشک‌های بالستیک با بردهای مختلف، ابزار اصلی بازردندگی متعارف در برابر تهدیدات خارجی،به ویژه از سوی اسرائیل و آمریکا،هستند. تجربه جنگ ۱۲ روزه ممکن است این باور را تقویت کرده باشد که داشتن یک زرادخانه موشکی گسترده و آماده، حتی مهم‌تر از پیشبرد سریع برنامه هسته‌ای است. موشک‌ها می‌توانند به عنوان ابزار تلافی افزایش هزینه حمله به ایران عمل کنند. علاوه بر این، بازسازی توان موشکی ممکن است از نظر فنی و زمانی چالش کمتری نسبت به بازسازی کامل برخی جنبه‌های پیچیده برنامه هسته‌ای داشته باشد.

این تغییر تمرکز، به معنای رها کردن برنامه هسته‌ای نیست، بلکه احتمالاً به معنای تخصیص منابع محدود به حوزه‌ای است که در کوتاه‌مدت امنیت‌بخش‌تر به نظر می‌رسد. این امر می‌تواند منجر به کندتر شدن موفق پیشرفت در برخی جنبه‌های هسته‌ای شود، در حالی که توان تهاجمی متعارف ایران را تقویت می‌کند.

از این رو واکنش دولت‌ها به حملات، لزوماً بازسازی دقیق آنچه از دست رفته نیست. گاهی اوقات، چنین رویدادهایی موجب بازنگری در فرضیات راهبردی و تغییر در تخصیص منابع می‌شود. تمرکز بر موشک‌ها می‌تواند نشان‌دهنده اولویت‌دادن به«بازدارندگی فوری» در برابر «بازدارندگی بلندمدت هسته‌ای» باشد.**نقش بازیگران خارجی: تسریع بخش بازسازی**
این در حالی است که فرآیند بازسازی در ایران در خلأ صورت نمی‌گیرد. گزارش‌های تحلیلی اشاره کرده‌اند که ایران ممکن است برای تسریع

درگیری نظامی کوتاه اما شدید بین ایران و اسرائیل، که با حملات هوایی آمریکا همراهی شد،بر برنامه هسته‌ای ایران اثر گذاشت. اگرچه این حملات آسیب‌های جدی به برخی تأسیسات وارد کرد، اما در عین حال منجر به تغییری در اولویت‌های راهبردی تهران شده است؛ تغییری که ممکن است در بلندمدت به جای کاهش تنش، زمینه را برای رقابت‌های امنیتی پیچیده‌تری فراهم کند.

به گزارش خبرآنلاین، تابستان امسال منطقه خاورمیانه شاهد یک رویارویی نظامی مستقیم و بی‌سابقه بین ایران و اسرائیل بود. این درگیری که حدود دوازده روز به طول انجامید، با حملات گسترده هوایی علیه اهداف استراتژیک در خاک ایران همراه شد. یکی از کانون‌های اصلی این حملات، تأسیسات مرتبط با برنامه هسته‌ای و موشکی ایران بود. اهدافی مانند سایت‌های غنی‌سازی نطنز و فردو و مراکز تحقیقاتی در اصفهان در معرض حمله قرار گرفتند.

پس از گذشت چند ماه از این رویداد، تحلیلگران و نهادهای پژوهشی غربی به ارزیابی پیامدهای آن پرداختند. پرسش محوری این بود که این حملات تا چه حد در دستیابی به هدف آشکار خود،یعنی تضعیف یا به تأخیر انداختن برنامه هسته‌ای ایران،موفق بوده‌اند؟ پاسخ به این سؤال ساده نیست. از یک سو، شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد آسیب‌های فیزیکی قابل توجهی به برخی زیرساخت‌ها وارد آمده و روند برخی فعالیت‌ها را کند کرده است. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد واکنش ایران به این حملات، صرفاً بازسازی مشابه گذشته نیست، بلکه شامل یک بازنگری در اولویت‌های راهبردی نیز می‌شود.

ارزیابی خسارات: یک عقب‌افتادگی موقت، نه یک توقف دائمی

بر اساس گزارش رسانه های غربی که در ماه‌های پس از درگیری منتشر شده، حملات هوایی باعث آسیب‌های فیزیکی به چندین سایت کلیدی شد. تأسیسات غنی‌سازی نطنز و فردو، که قلب برنامه غنی‌سازی ایران محسوب می‌شوند، در کانون این حملات قرار داشتند. آسیب‌های گزارش‌شده شامل تخریب ساختمان‌ها، تجهیزات و احتمالاً زیرساخت‌های حیاتی است. برخی مقامات امریکایی حاکی از آن است که این حملات می‌تواند پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران را بین یک تا دو سال به تعویق انداخته باشد.

با این حال، چند نکته کلیدی را باید در نظر گرفت. نخست، برنامه هسته‌ای ایران یک موجودیت تک‌سایت و متمرکز نیست، بلکه شبکه‌ای از تأسیسات، تیم‌های پژوهشی و زنجیره‌های تأمین است. آسیب به چند نقطه، لزوماً به معنای نابودی کل شبکه نیست. دوم، دانش فنی و انباشته‌شده دانشمندان ایرانی که مهم‌ترین دارایی این برنامه است، به راحتی قابل نابودی با بمب نیست. سوم، ایران در گذشته نیز در شرایط تحریم‌های شدید و تحت فشار، توانایی خود را در حفظ و حتی پیشبرد بخش‌هایی از برنامه هسته‌ای نشان داده است. در چنین شرایطی، ارزیابی خسارات در چنین برنامه‌های پیچیده‌ای همواره با عدم قطعیت همراه است. آنچه مهم است، تمایز قائل شدن بین «آسیب‌های عملیاتی» که بازسازی آنها در کوتاه‌مدت ممکن است، و «آسیب‌های راهبردی» که ساختار و مسیر برنامه را به طور اساسی تغییر می‌دهد، می‌باشد. به نظر

پژوهشکاین:

مصمم به قطع همه مسیرهای رانت و رشوه هستیم



رئیس جمهوری با تاکید بر تصمیم به قطع همه مسیرهای منتهی به رانت و رشوه گفت: به فکر این نیستم دوره دیگر به من رأی بدهند یا ندهند، به فکر این هستم تا جایی که ممکن است جلوی همه این رانت‌خواری‌ها را بگیرم.
به گزارش ایسنا، مسعود پزشکیان در «همایش ملی جایگاه شوراهای اسلامی و مشارکت مردم در قانون اساسی» با بیان اینکه مصممیم همه مسیرهایی که به رانت و رشوه منجر می‌شود را قطع کنیم، اظهار کرد: بنده به فکر این نیستم که دوره دیگر به من رأی بدهند یا ندهند بلکه به فکر این هستم تا جایی که ممکن است جلوی همه این رانت‌خواری‌ها را بگیرم که البته کار ساده‌ای نیست.

وی تصریح کرد: وقتی در چنین امری مداخله می‌کنیم از بسیاری جاها به ما گیر می‌دهند و مسائل بسیاری را وارونه جلوه می‌دهند. همه باهم به جایی رسیدیم که همه باید نوع دیگری فکر کنیم در تأمین در شهرا به کدام سمت

پزشکیان با تاکید بر اینکه می‌خواهیم عدالت را پیاده

سخن نخست

آب؛ روایت آرام توسعه در خراسان جنوبی

ادامه از صفحه یک

هشداري که نشان می‌دهد کم‌آبی دیگر مسئله یک استان یا یک منطقه نیست، بلکه موضوعی فراگیر است که اگر به‌درستی مدیریت نشود، مسیر توسعه را در سراسر کشور با چالش روبه‌رو می‌کند. برای استان‌هایی مانند خراسان‌جنوبی، این هشدار معنایی عمیق‌تر دارد؛ چراکه آثار کم‌آبی را زودتر و ملموس‌تر تجربه می‌کنند.

واقعیت این است که چالش آب در خراسان‌جنوبی تنها به کاهش منابع محدود نمی‌شود. الگوی مصرف نامتوازن، فرسودگی زیرساخت‌ها، بهره‌برداری ناپایدار از سفره‌های زیرزمینی و نبود برنامه‌ریزی یکپارچه، همه در کنار هم شرایطی را رقم زده‌اند که آب به نقطه‌ای حساس در معادلات توسعه استان تبدیل شده است. در چنین شرایطی، آب می‌تواند هم مانع توسعه باشد و هم نقطه آغاز آن؛ بسته به اینکه چگونه دیده و مدیریت شود.

راه عبور از این وضعیت، نه در تصمیم‌های مقطعی، بلکه در رویکردی آرام، پیوسته و علمی نهفته است. استفاده از روش‌های نوین آبیاری، حفاظت جدی از منابع زیرزمینی، اجرای پروژه‌های هدفمند تأمین و ذخیره آب، و مهم‌تر از همه، مشارکت دادن جوامع محلی در مدیریت منابع، می‌تواند مسیر تازه‌ای پیش‌روی استان بگذارد. تجربه نشان داده است هر جا مردم در تصمیم‌سازی‌ها دیده شده‌اند، منابع طبیعی ماندگارتر و نتایج پایدارتر بوده است.

در این میان، نقش رسانه‌ها بیش از هر زمان دیگری اهمیت پیدا می‌کند. رسانه می‌تواند روایت آب را از یک «بحران خاموش» به یک «مطالبه آگاهانه» تبدیل کند؛ مطالبه‌ای که هم مسئولان را به پاسخگویی دعوت کند و هم جامعه را به همراهی. توسعه زمانی معنا پیدا می‌کند که زیرساخت‌های حیاتی آن، از جمله آب، با نگاهی عادلانه و آینده‌نگر مدیریت شوند.

خراسان‌جنوبی امروز بر سر یک انتخاب ایستاده است: یا آب همچنان مسئله‌ای فراموش‌شده باقی بماند، یا به محور گفت‌وگو، برنامه‌ریزی و تصمیم‌سازی تبدیل شود. اگر آب درست دیده شود، می‌تواند آرام و بی‌صدأ، همان‌طور که همیشه بوده، راه توسعه را هموار کند. شاید توسعه این استان، از همین نگاه نرم و مسئولانه به آب آغاز شود؛ آبی که هنوز در انتظار عدالت است.

اخبار

رسانی:

مجلس باید به جایگاه اصلی خود باز گردد



نماینده مردم در مجلس گفت: درد مردم باید از مجلس درمان شود، مجلس باید به جایگاه اصلی خود بازگردد.

به گزارش مهر، حمید رسایی در نشست علنی امروز (سه شنبه، ۱۶ دی ماه) مجلس شورای اسلامی در تذکری گفت: شما گزارش دیوان محاسبات را شنیدید که جای تشکر دارد، همچنان که چند نکته نیز در آنجا مطرح شد.

نماینده مردم تهران، ری، شمیرانات،

اسلامشهر و پردیس در مجلس ادامه داد: می‌خواهم به ریشه برخی مشکلات اشاره کنم، ما مجلس نداریم، دلتان را به نشستن روی این صندلی‌ها خوش نکنید چرا که مجلس نقشی درهیچ زمینه‌ای ندارد.

وی با اشاره به برداشت ۴۶۱ همت از صندوق توسعه بر اساس مصوبه سران بیان کرد: بدون انتشار اوراق توسط سران توسط مصوبه شورای هماهنگی حدود ۲۴۳ همت یعنی حدود ۷۲۰ همت افزایش منابع توسط سران ایجاد شده است؛ در این شرایط مجلس کجای کار بوده است.

رسایی افزود: کل منابع دولت دو هزار و ۵۰۰ همت است که مجلس در جریان ۷۲۰ همت آن نیست؛ این در حالی که برای تصمیم‌گیری برای ۱۰ همت باید به کمیسیون‌های تخصصی و تلفیق، محن، هیئت عالی نظارت و شورای نگهبان برود و آن را بررسی و ایراد می‌گیرند. شما در این مملکت چه کاره‌اید و دلمان را به چه خوش کرده‌اید. این نماینده مردم در مجلس دوازدهم بیان کرد: در حال حاضر سازمان تأمین اجتماعی نیز مجلس را دور می‌زند و از سران مجوز می‌گیرد، بانک‌ها نیز همین روال را دارند، قانون اساسی می‌گوید هرگونه تغییر در منابع و معارج باید در مجلس مصوب شود. وی در خصوص بازانه‌ها نیز اضافه کرد: روغن چند روزی است در بازار نایاب شده است و در این شرایط می‌خواهند این موضوع را در جلسه سران حل کنند؛ باید در مجلس را ببندیم و بودجه را خرج مردم کنیم. رسایی افزود: روز گذشته رئیس مجلس اجازه ندادند که آقای صمصامی صحبت کنند؛ ۵۱ ماه ۵ درخواست ۷۱ نماینده برای استیضاح وزیر جهاد کشاورزی می‌گذرد، طبق چه چیزی شما اجازه نمی‌دهید که استیضاح انجام شود.

نماینده مردم تهران، ری، شمیرانات، اسلامشهر و پردیس یادآور شد: در شرایط فعلی که مردم به وضعیت اعتراض دارند می‌گویند عده‌ای اغتشاش می‌کنند و ما باید از مطالبه خود کناره‌گیری کنیم؛ حرف آنها باید از این تریبون مطرح شود در صورتی که هیأت رئیسه جلوی همه چیز از جمله استیضاح را گرفته است.

وی ادامه داد: درد مردم باید از مجلس درمان شود، مجلس باید به جایگاه اصلی خود بازگردد. تمامی ۲۹۱ نفر از نمایندگان باید در تصمیم‌گیری‌ها حضور داشته باشند و باید عقل جمعی کار کند و یک نفر تبدیل به سورپرمن نشود. حمیدرضا حاجی بابایی در ادامه این تذکر خطاب به رئیس دیوان محاسبات خواستار گزارش موضوعی شد و گفت: دیوان محاسبات در وضعیتی که برای مردم ایجاد شده عنوان کند که چه میزان از آن بر اساس این بوده که قانون اجرا نشده است. وقتی مجلس مصوب می‌کند که باید کالاایرگ به مردم با قیمت ثابت در طی سال‌ها اختصاص یابد به معنی فهم مجلس از درد مردم است اما اینکه اجرا نمی‌شود باید دیوان محاسبات با آن برخورد کند.

عضو هیأت رئیسه مجلس ادامه داد: همچنین دیوان محاسبات باید در مورد اینکه بودجه عمومی چه تعریفی دارد و چه میزان است، آیا ۷۵۰۰ یا ۷۶۰۰ است؟ ۵ درصد بنیه دفاعی چه می‌شود نیز گزارشی به مجلس ارائه کند و بر اساس آن بودجه‌های مصوب و سخنان رهبری و قوانین موجود شفاف‌سازی شود.

وی افزود: وقتی اعلام می‌شود بودجه در خارج از مجلس مصوب می‌شود یا از مسیر قانونی است یا غیر قانونی؛ اگر غیرقانونی است باید دیوان محاسبات لیست از موارد غیرقانونی ارائه کند و معرفی کند و جرم متناسب نیز پیشنهاد شود.

حاجی بابایی بیان کرد: اینکه این مسائل در اینجا مطرح می‌شود در ذهن مردم خطور می‌کند که مجلس خطا و کوتاهی کرده است بنابراین باید در این موارد دقت شود چرا که جایگاه مجلس مهمتر از این ششونی است که درباره آن صحبت می‌شود، چرا که جایگاه مجلس برای تک تک افراد است. عضو هیأت رئیسه مجلس گفت: نمایندگان تذکراتی را مطرح می‌کنند و از آنجا که گزارشی ارائه نشده نمی‌توان مطلبی را ارائه کنند، چرا که واقعیت را مطرح می‌کنند و ما باید آن را بپذیریم. وی یادآور شد: مجلس جایگاه قدرتی است و نمایندگان نیز می‌دانند که در کجا تصمیم‌گیری می‌کنند و در سر بزنگاه‌ها نیز ورود می‌کند؛ از جمله ورود مجلس در موضوع کالاایرگ، اصلاح حقوق‌ها و معیشت بود. بنابراین مجلس می‌تواند بودجه را در یا اصلاح کند. بنابراین نباید این تصور ایجاد شود که مجلس توانایی لازم را برای امورات ندارد. حاجی بابایی در پایان افزود: از زحمات تک تک نمایندگان تشکر می‌کنم که شبانه روز در کمیسیون‌های تخصصی و تلفیق مشغول به کار هستند. اما وقتی فشار اقتصادی و معیشتی وجود دارد باید راه‌ها را پیدا کرد. لذا باید دیوان محاسبات گزارش دقیقی از اینکه چرا معیشت مردم به این شکل ردمده و مشکلات مردم ارائه کند تا متوجه شویم که آیا مشکل قانونی وجود دارد و مجلس قانون مصوب نکرده و یا اینکه به درستی اجرا نشده است.

یکی از نکات جالب توجه در

تحلیل‌های پس از درگیری،

اشاره به تغییر احتمالی در

اولویت‌های بازسازی ایران

است. برخی گزارش‌ها

حاکی از آن است که تهران

ممکن است در کوتاه‌مدت،

تمرکز و منابع بیشتری

را بر احیای سریع‌تر توان

موشکی باالستیک خود قرار

دهد تا آن که متمرکز بر

بازسازی کامل ظرفیت‌های

هسته‌ای آسیب دیده شود

بازسازی ایران،به ویژه با کمک خارجی،سریع‌تر از انتظار باشد، این احساس ممکن است ایجاد شود که «پنجره فرصت» برای اقدام موثر نظامی باریک است و باید دوباره از آن استفاده کرد یا گزینه‌های سخت‌تری را در نظر گرفت. این می‌تواند به یک چرخه خطرناک از عمل و عکس‌العمل دامن بزند.

در چنین شرایطی، سناریوی محتمل برای آینده نزدیک، نه جنگ تمام‌عیار جدید، بلکه تداوم وضعیت تنش بالا با خطر بالای درگیری‌های محدود است. ایران ممکن است با احتیاط بیشتر، اما با عزمی راسخ‌تر به بازسازی بپردازد. اسرائیل و آمریکا نیز احتمالاً نظارت خود را تشدید کرده و تهدید به اقدام در صورت عبور ایران از «خطوط قرمز» جدیدی خواهند کرد. در این فضا، احتمال اشتباه محاسباتی یا درگیری تصادفی افزایش می‌یابد.

اما جنگ‌های محدود اغلب به جای حل یک مناقشه، تنها ویژگی‌های آن را تغییر می‌دهند. آنها می‌توانند هزینه‌ها را افزایش دهند، خطوط قرمز را جابه‌جا کنند و بی‌اعتمادی را عمیق‌تر نمایند، بدون آنکه راهی برای خروج از بن‌بست سیاسی ارائه دهند. در مجموع حملات هوایی به تأسیسات ایران بدون شک برنامه هسته‌ای این کشور را با چالش‌های فنی و عملیاتی مواجه ساخته و پیشرفت آن را به تأخیر انداخته است. با این حال، ارزیابی نهایی این اقدام، مستلزم نگاهی فراتر از خسارات فوری است. به نظر می‌رسد واکنش ایران، بازسازی صرف نیست، بلکه شامل یک تعدیل راهبردی، با اولویت دادن احتمالی به بازسازی توان موشکی می‌باشد. علاوه بر این، نقش بازیگران خارجی مانند چین می‌تواند روند بازسازی را تسریع بخشد و از اثر بازدارندگی حملات بکاهد.

در نتیجه، اگرچه این حملات ممکن است یک «موفقیت تاکتیکی» در به تأخیر انداختن برنامه هسته‌ای محسوب شود، اما به عنوان یک «راهبرد» از سوی آمریکا و اسرائیل برای تضمین امنیت بلندمدت منطقه با تردیدهایی جدی روبروست. این اقدام به جای کاهش تنش، احتمالاً منجر به افزایش بی‌اعتمادی، تغییر در الگوی تهدید (به سمت تقویت توان موشکی)، و ورود عمیق‌تر رقابتی ژئوپلیتیک به معادله شده است.

گرفته‌ایم، اعطای اختیار راهگشا نخواهد بود.

پزشکیان تاکید کرد: در غیاب نقشه‌ای روشن، فرد و نهاد بر اساس ذهنیت شخصی خود اقدام به ساخت‌وساز و تصمیم‌گیری خواهد کرد. باید مشخص شود قرار است چه چیزی ساخته شود، سپس به مسئولان گفته شود که با

اختیار کامل، آن برنامه را اجرا کنند.

رئیس جمهوری با یادآوری وضعیت برخی کلان‌شهرها و مناطق پیرامونی پایتخت افزود: امروز تهران، کرج، قزوین، ورامین و دیگر شهرهای اطراف با بحران‌های جدی همچون کمبود شدید منابع آب، فرونشست زمین و مشکلات متعدد زیست‌محیطی مواجه‌اند. اگر از ابتدا نقشه‌ای جامع و مبتنی بر مطالعات کارشناسی و علمی وجود داشت که مشخص می‌کرد این مناطق تا چه حد باید توسعه یابند و چه میزان بارگذاری جمعیتی و عمرانی در آن‌ها مجاز است، امروز با چنین شرایطی روبه‌رو نبودیم. در این وضعیتی تفاوتی نمی‌کند اختیار در دست چه کسی باشد چون فقدان نقشه، نتیجه‌ای جز بحران به همراه نخواهد داشت.

وی تأکید کرد: وقتی در نقشه‌ای ملاحظات فنی، زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی دیده شده باشد، می‌توان اختیار اجرا به مدیران مختلف، اعم از فرمانداران، استانداران و سایر مسئولان واگذار کرد. اختیار بدون نقشه، در حقیقت به معنای هرج‌ومرج است؛ زیرا هر کسی بر اساس تشخیص فردی خود عمل می‌کند.

پزشکیان تاکید کرد: مشکل اصلی فقدان نقشه جامع است. از همان ابتدا نیز این مسئله را مطرح کرده‌ام. حتی برخی کارشناسان در واکنش به طرح موضوع جابه‌جایی پایتخت گفته‌اند که پیش از هر اقدامی باید به بحران آب توجه شود؛ چرا که اگر بارش آسمانی نباشد و منابع زیرزمینی نیز در حال تخلیه باشد، با پدیده فرونشست

وی در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به چالش‌های اساسی مدیریت کشور اظهار کرد: مشکل اصلی کشور صرفاً کمبود اختیار نیست، بلکه مسئله بنیادین، فقدان نقشه و چشم‌انداز مشخص برای توسعه شهرا و مناطق مختلف است. تا زمانی که ندانیم در شهرا به کدام سمت حرکت می‌کنیم و برای هر منطقه چه نقشه‌ای در نظر